فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی دهم، شماره‌ی ۱، تابستان۱٤۰۰،صفحات ۲٤۵-۲۱۰

مقاله پژوهشی

بررسی پیامد جامعه‌شناختی شبکه‌های اجتماعی بر هویت فرهنگی جوانان (دانش‌جویان دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران مرکز)

معصومه اسمعیلی[۱]؛ مجید رادفر[۲]؛ علی باصری[۳]

تاریخ دریافت: ۱۸/ ۱٤۰۰/۳ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۰/۵/۲٤

چکیده

ظهور شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یک فضای نوین، جذاب و فراگیر، ابعاد و ساختار جامعه را دگرگون ساخته است؛ درنتیجه هویت‌های پیشین را متحول و به خلق هویت‌های جدیدی دامن زده است. این دگرگونی‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم زندگی جوانان را تحت تأثیر قرار داده‌اند. مقاله‌ی حاضر بر آن است که شبکه‌های اجتماعی با هویت فرهنگی جوانان و خانواده‌های آنان دارای رابطه‌ی متقابل است. بدین منظور بر مبنای چارچوب‌های نظری هویت و رسانه‌ها و روش تحقیق نظریه‌ی داده‌بنیاد، به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت فرهنگی جوانان پرداخته است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، دانش‌جویان دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد تهران مرکز می‌باشد. نتایج این پژوهش بر اساس ۵۲ مفهوم و ۵ مقوله‌ی به‌دست‌آمده نشان داد که شبکه-های اجتماعی به‌عنوان یک رشته از فرآیندهای محرکه‌ای هستند که به‌طور اساسی، نظم اجتماعی، فرهنگی، هویت، روابط افراد، خانواده‌ها را دگرگون و پدیده‌هایی همچون فردگرایی، کاهش اقتدار والدین، ازخودبیگانگی، اضطراب در حال گسترش هستند.

[۱] دانش‌جوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.
m.esmaeili4@yahoo.com

[۲] دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، رودهن، ایران (نویسنده‌ی مسؤول). Majid.Radfar@iau.ac.ir

[۳] استادیار گروه مردم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.
baseridon@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

واژه‌های کلیدی: شبکه‌های اجتماعی، هویت فرهنگی؛ جوانان؛ خانواده.

مقدمه و طرح مسأله

جهان در چند دهه‌ی گذشته شاهد دگرگونی‌های وسیع و تا حد زیادی منحصربه‌فرد در عرصه‌ی ارزشی، فرهنگی و هویتی بوده است . این دگرگونی‌ها بر بخش‌ها و ساختارها و گروه‌های اجتماعی تأثیراتی برجای گذاشته است. از جمله پدیده‌های جدید که در سال‌های اخیر شکل گرفته و به‌سرعت در حال گسترش است. فناوری‌های نوین ارتباطی به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی است. به گونه‌ای سطوح خرد و کلان و ترتیبات جامعه را در عصر حاضر دستخوش تغییر قرار داده و موجب شده تا تمامی گروه‌های اجتماعی به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم و با شدت و ضعف متفاوت، با تغییرات آن روبه‌رو می‌شوند. این فرآیند موجب نزدیک‌شدن بسیار زیاد فرهنگ‌ها و جوامع به یکدیگر و ارتباطات لحظه‌ای بین آن‌ها شده است. بر این اساس تعاملات در عرصه‌های مختلف اجتماع بین جوامع گوناگون شرایط جدیدی را پیش روی آن‌ها قرار داده است. در این میان، جوانان از این تحول دور نمانده‌اند. به باور گیدنز[۱]، سرعت فناوری‌های نوین در روزگار ما آنچنان اهمیت یافته که اگر در فهم آن توفیق نیابیم و بر بحث درباره‌ی آن تسلط نداشته باشیم، نمی‌توانیم دانشور پدیده‌های پیچیده‌ی اجتماعی باشیم (گیدنز، ۱۳۷۹: ۲۷–۲۶).

بنابراین، آنچه در حال حاضر وجود شبکه‌های اجتماعی را پر اهمیت و تأثیر آن‌ها را پررنگ‌تر جلوه می‌دهد، استقبال عمومی کاربران اینترنت به‌خصوص جوانان به این شبکه‌ها می‌باشد. به‌طوری‌که روزانه میلیون‌ها نفر در دنیا با عضویت در این شبکه‌ها ساعت‌های متمادی از عمرشان را صرف گشت‌وگذار در شبکه‌های اجتماعی می‌کنند (افراسیابی، ۱۳۹۲ : ۱۵). این حجم از اطلاعات، موجب انتقال ارزش‌ها، هنجارها و اطلاعات فراوان به اقصا نقاط جهان شده‌اند. تامپسون معتقد است که رسانه‌های جمعی، انتقال و هدایت دامنه‌ی گسترده‌ای از نمادها، هنجارها، ارزش‌ها و عقاید درون جوامع را به عهده گرفته‌اند؛ تا آن‌جاکه برخی اندیشمندان بر این اعتقادند که رسانه‌ها کل زندگی فرهنگی و اجتماعی را دگرگون می‌کند (تامپسون[۲]، ۱۳۹۳: ۶۳).

---

[۱] Giddens

[۲] Thompson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

یکی از اصلی‌ترین مصرف‌کنندگان این شبکه‌های مجازی، جوانان هستند و استفاده‌ی روزافزون از شبکه‌های اجتماعی، باعث ورود حجم وسیعی از اطلاعات و برنامه‌های برون‌مرزی به فضای فکری جوامع شده که با آمدن این شبکه‌ها اجتماعاتی مجازی نیز تشکیل می‌شود که هر فردی به‌راحتی بتواند در تولید محتوا سهیم باشد. درواقع در اجتماعات مجازی معمولاً جوانان حداقل در یک چیز اشتراک دارند و آن علایق و منافعی است که آن‌ها را گرد یکدیگر می‌آورد. با گسترش دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مجازی و استفاده‌ی فزآینده‌ای که جوانان از انواع مطالب و محتوای این رسانه‌ها دارند، تغییر فرهنگی بدل به یکی از دغدغه‌های اصلی تأثیرگذار بر انسجام اجتماعی و یکپارچگی ملی که از جمله ارکان و زیربنای هویت جامعه محسوب می‌شوند، شده است.

این شبکه‌های اجتماعی یک رشته از فرآیندهای نیرومندی هستند که فرصت‌ها و تهدیداتی را به همراه داشته و نیروی محرکه‌ی بسیار مهمی هستند که به‌طور اساسی، نظم اجتماعی در جامعه را تغییر و یا بازسازی می‌کنند. در مرکز این تغییرات، خانواده‌ها قرار دارند. جوانان به‌عنوان اعضای خانواده در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. در حال حاضر، مفاهیم سنتی درباره‌ی زندگی خانوادگی، کار، روابط افراد، ارتباط گروه‌ها با یکدیگر، نقش‌های مختلف جوانان در خانواده و اجتماع و هنجارهای جنسیتی و شکل‌گیری هویت به دلیل رشد و گسترش ارتباطات، دگرگون شده است. به اعتقاد گیدنز، جهان مدرن متاخر[1]، به‌شدت بازتابی است. اطلاعات فراوان مبادله و بازتاب این اطلاعات در زندگی، سبک زندگی الگوهای رفتاری افراد را شکل می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۸: ٦٢).

پژوهش حاضر نتیجه‌ی این باور است که وسایل ارتباط جمعی در زندگی اجـتماعی امروز به قدری مهم است که فرآیند جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری و فرهنـگ‌یابی تحت نظارت آن‌ها شکل می‌گیرد و بر این مبنا شخصیت اساسی افراد جامعه بارور گردیده و سامان می‌یابد و اینکه کمتر این رابطه در سایر تحقیقات مورد توجه قرار گرفته است. درحالی‌که جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. بنابراین محقق بر مبنای چارچوبی نظری و با تکیه بر منابع و اطلاعات موجود و نتایج یافته‌های علمی پژوهش‌گران مختلف، دگرگونی ساختاری درون

[1] Late modern world

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

خانواده و آثار آن را بر جوانان که از موضوعات مهم این پژوهش محسوب شده، مورد مطالعه قرار داده و همین‌طور به این سؤال مهم بر اساس نظریه‌ی کاشت بپردازد که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به لحاظ هویتی تا چه اندازه بر مخاطبان خود (جوانان) تأثیر می‌گذارند؟ آثار استفاده از این فناوری‌ها بر رفتارهای فردی و اجتماعی جوانان به چه میزان است؟

پیشینه‌ی پژوهش

در رابطه با پیشینه‌ی تحقیق می‌توان گفت که هیچ منبعی با عنوان دقیق مقاله که به شکل دقیق و همه‌جانبه‌ای به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت فرهنگی جوانان پرداخته باشد، نبوده و یا محقق نتوانسته بدان‌ها دست یابد. با وجود این، از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص هویت و سبک زندگی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آنتونی الیوت [۱]تحقیقی با نام «من می‌خواهم که به نظر بیایم» در ارتباط با جراحی زیبایی و فرهنگ (۲۰۱۱) نگاشته که در این مقاله به‌طور انتقادی قدرت رسانه‌ها را در جهت ظهور جراحی زیبایی با تکیه بر تئوری‌های اجتماعی و مطالعات روان‌کاوی مورد بررسی قرار دهد. با ترسیم مفهوم هورتون و وول [۲]از "تعامل پارا اجتماعی" و همچنین ایده‌ی تامپسون در مورد "صمیمیت از راه دور"، نتایج نشان داد که یک رویکرد فرهنگی توسط رسانه‌ها در جریان است که اندام افراد مشهور (سلبریتی‌ها) چگونه به‌عنوان الگوهای تقلید و تمایل شباهت با آنان ایجاد می‌شود. در نتیجه‌ی این رویکرد سطح استرس و اضطراب را در کاربران افزایش می‌دهد.

جان ویلسون [۳]در سال ۲۰۱۳ تحقیقی را با هدف بررسی رسانه‌های جمعی و رابطه‌ی آن بر هویت فرهنگی را آغاز و در جست‌وجوی شناخت هویت فرهنگی جامعه بر پایه‌ی نژاد، ملیت که با توجه به یافته‌ها، حاکی از آن است که اهمیت استفاده از نمادهای مفهومی با توجه به ملیت، درک درستی از فرهنگ را ارائه داده و در نتیجه با دسترسی به اطلاعات و تاریخ فرهنگ قومی خود علاوه بر حفظ هویت فرهنگی خود، انسجام اجتماعی جامعه نیز افزایش می‌یابد.

رویی و وانگ [۴](۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان روابط اجتماعی کاربران در شبکه‌های اجتماعی، به مطالعه تاثیر ریشه‌های فرهنگی و مکان‌های جغرافیایی متفاوت، بر فراهم آوردن انطباق بین

---

[۱] Anthony Elliott

[۲] Horton and Wool

[3] John Wilson

[4] Rui and Wang

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

فرهنگی دانشجویان پرداخته‌اند. جامعه ی آماری مورد مطالعه، دانشجویان بین الملل یک کالج در شمال شرق آمریکا بوده‌است. نتایج نشان می‌دهدکه اکثر دانشجویان به دلیل غنای رسانه‌ای فیسبوک نسبت به اینستاگرام و تلگرام تمایل بیش تری به استفاده از آن داشته و برای دسترسی به تعاملات اجتماعی و فرهنگی از طریق انطباق با فرهنگ غالب در پی همگن سازی فرهنگی هستند.

جینگ یانگ[۱] تا در سال ۲۰۱۵ در تحقیقی تحت عنوان «جمع‌گرایی[۲]–فردگرایی [۳]و شبـــکه‌های اجتماعی (فیسبوک) به ایـــن نتیجه دست یافتند که کاربران با فرهنگ‌های فردی خود نسبت به فرهنگ‌های گروهی، بیشتر از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. نتایج به‌دست‌آمده مطابق آنالیزهای دو فرهنگی و چندفرهنگی در ٤۹ کشور بوده و محقق نتیجه گرفت که فرهنگ‌های فردی و گروهی در قبال استفاده از شبکه‌های اجتماعی متفاوت عمل کرده و فرهنگ و هویت فردی تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی قرار دارد. به عبارتی با افزایش میزان فردگرایی از طریق شبکه‌ی فیسبوک، هویت اجتماعی افراد نیز تضعیف می‌گردد.

تحقیقی با عنوان «چگونه شبکه‌های اجتماعی هویت ما را تغییر می‌دهد؟» توسط نائوسیکار رنه[٤] در سال (۲۰۱۹) انجام شد. روش انجام پژوهش پیمایشی و جامعه‌ی آماری آن دانش‌جویان بودند. تحقیقات نشان دادند که شبکه‌های اجتماعی دو اثر مثبت که باعث تقویت هویت افراد و از سوی دیگر تضعیف‌کننده‌ی هویت فرهنگی از جمله فرهنگ اقوام، مذهب، گسست خانواده‌های ساکن نیویورک داشته است.

پژوهشی دیگر از عبدالوهاب ندیمی سال (۱۳۹۵) با هدف بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت دانش‌آموزان دختر دوره‌ی متوسطه منطقه‌ی ٤ تهران انجام شده است. تأثیرپذیری هویت در این تحقیق از چهار منظر قومی، دینی، ملی و جهانی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داد که استفاده‌ی بیش از حد و گذراندن وقت در شبکه‌های اجتماعی تأثیرات منفی بر هویت دانش‌آموزان داشته و آن‌ها بیشتر دچار بحران هویت می‌شوند.

تحقیقی با عنوان شبکه‌های اجتماعی مجازی و هویت فرهنگی: مطالعه‌ای در میان دانش‌جویان دانشگاه گیلان توسط عاطفه عظیمی در سال ۱۳۹۵ انجام شده است. نتایجی که پژوهش‌گر ذکر

---

۱. Jing Yang
۲ individualism
3 .collectivism
4 Nausicaa Renner

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

کرده فرهنگ رسانه‌ها از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی پیوسته در حال تضعیف و بی‌ثبات کردن انواع هویت‌ها هستند. به‌طوری‌که با افزایش حضور در فضای مجازی، هویت‌های فرهنگی، دینی، ملی و قومی تضعیف و هویت جهانی تضعیف می‌گردد. همچنین شبکه‌های اجتماعی مجازی، باعث تغییرات اساسی در نهادهای هویت‌ساز شده‌اند و عوامل معناساز هویتی را دستخوش تغییر نموده‌اند و موجب شده‌اند که جوانان به سمت جهانی‌شدنی که مورد نظر جوامع سرمایه‌داری و امپریالیستی است نزدیک شده و از فرهنگ ایرانی اسلامی خود دور شوند. در نتیجه بر عملکرد اجتماعی آنان نیز تأثیر منفی میگذارد.

تحقیقی توسط علی هیودی با عنوان «شبکه‌های اجتماعی مجازی؛ جهان وطنی یا بحران هویت (مورد مطالعه جوانان ۳۵-۱۸سال شهر دزفول) در سال ۱۳۹۶ انجام شده است. بعد از جمع‌آوری داده‌هاو تجزیه‌وتحلیل آن‌ها نتایج تحقیق بیان می‌کند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی میل به جهان وطنی و پذیرش الگوهاو شاخص‌های حاکم بر نظام جهانی را در جوانان افزایش می‌دهد و به نوعی اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی پیدا کرده؛ به گونه‌ای که عدم ارتباط با شبکه‌ها آنان را پرخاش‌گر می‌نماید. در واقع پاسخ‌گویان این مطالعه اعتقاد دارند که شبکه‌های اجتماعی مجازی در حد متوسط به بالا بحران هویت را در جامعه تشدید می‌کنند.

تحقیقی با عنوان «پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت با توجه به خودانضباطی و سطوح آن» توسط زهره زارع (۱۳۹۶) انجام شد که پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت با توجه به خودانضباطی و سطوح آن و نوع آن توصیفی- همبستگی بود. نتایج تحلیل رگرسیون تک متغیره و چندگانه نشان داد که بی انضباطی و عدم نظم و برنامه‌ریزی در زندگی نتیجه‌ی منفی اعتیاد به اینترنت است. تحقیقی با عنوان رابطه بین احساس تنهایی و هراس اجتماعی با اعتیاد به اینترنت در دانش‌جویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (۱۳۹۷) توسط رضا محمدی انجام شد . آزمودنی‌ها به ۳ پرسش‌نامه‌ی، اعتیاد به اینترنت (یانگ)، احساس تنهایی (راسل) و هراس اجتماعی (کانور) پاسخ دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بین احساس تنهایی و هراس اجتماعی با اعتیاد به اینترنت رابطه‌ی مثبت معنادار وجود دارد، همچنین متغیرهای احساس تنهایی و هراس اجتماعی توانایی پیش‌بینی گرایش به اعتیاد به اینترنت را دارند. تحقیقی با موضوع « بررسی تأثیر اعتیاد به اینترنت بر سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهرستان شاهرود» (۱۳۹۷) توسط رزیتا قنبری (رشته‌ی پزشکی عمومی) انجام شد. اعتیاد به اینترنت به معنای استفاده‌ی بیش از حد یا نامعقول و بیمارگونه از اینترنت است که یافته‌های پژوهش‌های مختلف حاکی از رابطه‌ی بین اعتیاد به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

اینترنت و سلامت جسمی و روانی هستند. با توجه به این که میزان بروز و شیوع اعتیاد به اینترنت در گروه سنی نوجوانان و جوانان در حال افزایش است. روش مطالعه: پژوهش حاضر از نوع توصیفی و از نظر نوع بررسی همبستگی می‌باشد. با استفاده از جدول کرجسی و مورگان[1]، ابتدا ۳۶۱ نفر از دانش‌آموزان شهرستان شاهرود به صورت تصادفی انتخاب شدند. از دو پرسش‌نامه‌ی سنجش سلامت عمومی (GHQ-28) و اعتیاد به اینترنت یانگ جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده گردید. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد، در کاربران معتاد به رسانه‌های جمعی و اینترنت، بین نمرات اعتیاد به اینترنت با نمرات پرسش‌نامه‌ی سلامت عمومی در تمامی مؤلفه‌های آن (مقیاس-های علائم جسمانی، علائم اضطرابی و اختلال خواب، علائم اختلال کارکرد اجتماعی) رابطه ی مستقیم وجود دارد.

مباحث مربوط به پیشینه‌ی پژوهش، نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌های صورت‌گرفته، فقط به بررسی سبک زندگی و هویت اجتماعی پرداخته‌اند و تقریباً پژوهش مهمی در زمینه‌ی تأثیر شبکه-های اجتماعی بر هویت فرهنگی با رویکرد نظریه‌ی داده‌بنیاد (گراندد‌تئوری) صورت نگرفته است. همچنین در این پژوهش سعی شده تا علاوه بر به‌کارگیری مباحث مهم و مورد مطالعه و با تأکید بر جنبه‌های کاربردی آن‌ها به درک صحیح و کارآمدتری دست یافته و به واسطه‌ی آن گامی مهم در جهت حل مسایل و مشکلات جامعه برداشت.

مبانی نظری پژوهش

یکی از پرسش‌های اساسی تئوری رسانه‌ها این است که رسانه‌ها چه تأثیری دارند؟ قدرت رسانه‌ها از زمان تولد وسایل ارتباط جمعی مایه‌ی نگرانی جامعه بوده است. تولد هر رسانه‌ی ارتباطی جدید با ترس و نگرانی از قدرت مخرب آن بر مخاطبان همراه بوده است. رسانه‌ها بخش غیر قابل تفکیک و همواره حاضر در زندگی روزمره‌ی جامعه هستند. بنابراین می‌توان سه نوع نظریه را در ارتباط با رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی مورد بحث قرار داد.

تئوری‌های رسانه‌محور

تئوری تأثیر مستقیم[2]

[1] . Krejcie & Morgan

[2] Direct Impact Theory

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

اولین تئوری در مورد تأثیر رسانه‌ها، تئوری تأثیر مستقیم است که آن را تئوری گلوله جادویی نامیدند. این تئوری به‌طور خلاصه گویای آن است که پیام‌های رسانه‌ای به‌طور یکسان و یکنواخت به همه‌ی مخاطبان می‌رسد و تأثیری مستقیم و آنی بر جای می‌گذارد. در این تئوری مخاطبان دریافت‌کنندگان منفعل پیام‌های رسانه‌ای هستند و در تحلیل و تفسیر آن نقشی نداشته و یا بسیار اندک و ناچیز است. برخی از محققان به‌ویژه محققانی که در عرصه‌ی یادگیری فعالیت می‌کنند، بر این عقیده هستند که انسان‌ها می‌توانند از خلال مشاهده‌ی رفتار دیگران ، رفتارهای جدیدی از سه طریق بیاموزند ؛ یادگیری از خلال تجربه‌ی شخصی ، یادگیری از طریق آشنایی متقابل با افراد دیگر و یادگیری از رسانه‌ها است... بحث در مورد تأثیر رسانه‌های جهانی حول محور هویت فرهنگی، ملی و فردی دور می‌زند. هرکسی نیاز دارد بداند چه کسی است و به کجا تعلق دارد. هویت به یک عنصر مهم و اساسی در تعریف اینکه ما که هستیم بدل شده است. رسانه‌های جهانی ارزش‌ها و باورهای جوامع را تهدید می‌کنند و در خیلی از مواقع به کم‌رنگ‌شدن هویت و فرهنگ محلی[1] می انجامد (قاسمی، ۱۳۹۷ : ۱۹۶-۱۹۵) .

تئوری کاشت

نظریه‌ی کاشت یکی از اشکال اثر رسانه‌ها در سطح شناختی بوده و مربوط به این موضوع است که قرارگرفتن در معرض رسانه‌ها تا چه حد می‌تواند به باورها و تلقی مخاطبان شکل دهد؟ نظریه-ی کاشت با اشاعه برای ارائه‌ی الگویی از تحلیل، تبیین شده است؛ تا نشان‌دهنده‌ی تأثیر بلندمدت رسانه‌هایی باشد که اساساً در سطح برداشت اجتماعی، عمل می‌کنند. گربنر[2] عقیده دارد که رسانه‌ها به لحاظ عمق و نفوذ قابل ملاحظه‌اش نیروی فرهنگی قدرت‌مندی است .

از نظر گربنر[3] رسانه‌ها متمایل به ارائه‌ی دیدگاه‌های هم‌شکل و کم‌وبیش یکسان از واقعیت هستند و مخاطبان آن‌ها، بر اساس این چنین مکانیسمی فرهنگ‌پذیر می‌شوند (لطیفی و همکاران، ۱٤۰۰ : ۳٦٤). به این صورت که ساعت‌های متمادی مواجهه با رسانه‌ای خاص باعث ایجاد تغییر نگرش و دیدگاه‌های موافق با محتوای رسانه می‌شود (عباسی قادی و خلیلی کاشانی،۱۳۹۰: ۸۱). درواقع نظریه‌ی کاشت یکی از اشکال اثر رسانه‌ها در سطح شناختی بوده و مربوط به این موضوع است که قرارگرفتن در معرض رسانه‌ها، تا چه حد می‌تواند به باورها و تلقی عموم از واقعیت خارجی

[1] Local culture
[2] planting theory
[3] . gerbner

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

شکل دهد؟ نظریه‌ی کاشت با اشاعه برای ارائه‌ی الگویی از تحلیل، تبیین شده است تا نشان‌دهنده-ی تأثیر بلندمدت رسانه‌هایی باشد که اساساً در سطح برداشت اجتماعی عمل می‌کنند (احمدزاده کرمانی، ۱۳۹۰: ۳۳٦). وود[1] معتقد است نظریه‌ی کاشت به فرآیند انباشتی و متراکمی اشاره دارد که به وسیله‌ی آن، رسانه‌ها اعتقادات و باورها را درباره‌ی واقعیت اجتماعی پرورش می‌دهد (وود، ۲۰۰۰: ۷۹). گربنر معتقد است که وسایل ارتباط جمعی گرایش‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه را تبلیغ و ترویج و با یکسان‌کردن گرایش‌ها و ارزش‌های افراد جامعه آن‌ها را به هم پیوند می‌دهند (چاندلر، ۱۹۹۵: ۲). پژوهش‌گران کاشت به منظور ارائه‌ی دیدگاه خود درباره‌ی رسانه‌ها به‌عنوان یک رسانه‌ی تأثیرگذار فرهنگی به فرآیندی چهار مرحله‌ای اشاره می‌کنند : ۱- تحلیل نظام پیام. ۲ – تدوین پرسش‌هایی درباره‌ی کم و کیف واقعیت‌های اجتماعی از دید بینندگان. ۳ – مطالعه‌ی مخاطب به منظور بررسی میزان تماشای برنامه‌ها و استفاده‌ی آنان از این برنامه‌ها. ٤ – مقایسه‌ی مفهوم‌سازی بینندگان پرمصرف و کم‌مصرف از واقعیت‌های اجتماعی[2] (بریانت و دیویس، ۲۰۰۰ : ۹۱).

مورگان و سیگنوریلی[3] معتقدند: فرآیند کاشت به‌عنوان جریان یک‌سویه‌ی تأثیر رسانه‌ها بر مخاطبان نیست ، بلکه بخشی از یک فرآیند تعامل در حال جریان، پویا و مستمر بین پیام‌ها و بافت‌ها فرض می‌شود (مورگان و سیگنوریلی، ۱۹۹۰ : ۱۲٤). به باور سورین و تانکارد[4]، امروزه این دیدگاه که رسانه‌ها نقش مهمی در جامعه‌پذیری اولیه‌ی کودکان و همین‌طور جامعه‌پذیری درازمدت بزرگ‌سالان دارند، به طور گسترده مورد قبول قرارگرفته است. از مهم‌ترین کارکرد رسانه‌ها انتقال فرهنگ است. رسانه‌ها با نمایش و عرضه‌ی جامعه‌ای که فرد می‌تواند خود را با آن هم‌هویت ساخته، این امکان را برای فرد می‌تواند میسر سازد تا به منظور کاهش احساس بیگانگی[5] یا احساس بی‌ریشه بودنش فائق آید (خواجه نوری، ۱۳۹۷: ۱۲٦).

نظریه‌ی برجسته‌سازی[6]

[1] . wood
[2] . Social reality
[3] . Morgan and Signorilli
[4] . Surin and Tankard
[5] Alienation
[6] Highlighting theory

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

نظریه‌ی برجستگی، رویکرد دیگری است که توسط روکیج و دیفلور[۱] برای ترکیب الگوهای آثار محدود و آثار قدرت‌مند ارائه گردید. روکیج و دیفلور در این مدل، میزان ثبات ساختاری نظام اجتماعی، کم و کیف رسانه‌ها، میزان وابستگی متقابل در نظر گرفته و آثار شناختی، عاطفی و رفتاری را نتیجه‌ی تعامل توأمان آن‌ها معرفی کرده‌اند (سورین و تانکارد، ۱۳۸٤: ٤۱۳–٤۱۲). منظور از برجسته‌سازی رسانه‌ها این است که رسانه‌ها، به‌ویژه در اخبار و گزارش‌های خبری و برنامه‌های مستند، این قدرت را دارند که توجه عموم را به مجموعه‌ای از مسائل و موضوعات معین و محدود معطوف سازند و از مسائل و موضوعات دیگر چشم‌پوشی کنند. حاصل کار این می‌شود که بعضی از مسائل خاص توسط بسیاری از مردم در سپهر عمومی و خارج از قلمروی رسانه‌ها به بحث گذاشته می‌شود. درحالی‌که به مسائل و موضوعات دیگر توجه نمی‌شود (سولیوان و همکاران، ۱۳۸۵: ۲٦).

مک لوهان [۲]معتقد است که رسانه پیام است. به نظر وی مهم‌ترین اثر رسانه‌ها این است که بر عادات و درک و تفکر ما اثر می‌گذارند. فیلم، تلویزیون و کامپیوتر با دستکاری محتوا و فرآیندهای تجربه‌ی ارتباطی، بر درک و فهم مخاطب از واقعیت اثر می‌گذارند و نوعی تجربه‌ی مصنوعی می-آفرینند. بعضی از این فنون برای خلق تجربه‌ی مصنوعی عبارت‌اند از: تغییر سرعت حرکت، نمایش مجدد، پرش آنی از یک صحنه به صحنه‌ی دیگر، گلچین بخش‌هایی از رویداد، کنارهم-گذاشتن رویدادهای به لحاظ زمانی و یا مکانی مجزا و ترکیب و جابه‌جایی انگاره‌های بصری. مواجهه‌ی زیاد با این نوع تجربه‌ی مصنوعی می‌تواند آثاری به همراه داشته باشد و موجب نگرانی کلیت جهان‌بینی فرهنگی گردد (سوین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۳۹۳).

رویکردهای نظری هویت

هویت[۳] از موضوعات و مسایلی است که در طول دوره‌ی طرح نظریه‌های جدید جامعه‌شناسی مورد توجه بوده است و حجم انبوهی از نظریه‌های جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی پیرامون آن طرح، تولید و توسعه یافته است. در میان نظریه‌پردازان معاصر جامعه‌شناسی بیش از همه آنتونی گیدنز بر کارکرد هویت تأکید می‌کند. به اعتقاد گیدنز در زندگی اجتماعی مدرن، مقوله‌ی سبک

[1] Rocage and Diflor
[۲] McLuhan
[۳] identity

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

زندگی اهمیت خاصی دارد. سنت بیشتر معنای خود را از دست می‌دهد و زندگی روزانه بیشتر بر اساس بازی دیالکتیکی میان امر محلی و امر جهانی شکل می‌گیرد و بیشتر افراد مجبور می‌شوند تا از میان مجموعه‌ی انتخاب‌ها، چیزهایی را گزینش کنند (گیدنز ، ۱۳۷:۸۸). در تعبیری که وی از دگرگونی اجتماعی دارد، سبک‌های زندگی از نشانه‌های مهم روابط در حال تغییر فردیت و اجتماع به شمار می‌روند (ذکایی به نقل از ذوالفقاری و سلطانی، ۱۳۸۹: ۲۸). لذا در دنیای مدرن ، هویت شخصی و اجتماعی به طرزی متباین با ارتباطات شخصی – اجتماعی جوامع سنتی‌تر مسأله‌زا می-گردد. در دوره‌ی مدرن، هویت فردی و اجتماعی در سایه‌ی توسعه‌ی وسایل ارتباط جمعی به طرحی تبدیل می‌شود که باید توسط خود فرد به صورت بازاندیشانه ایجاد و ساخته شود. رسانه‌ها درک فرد از روابطش را تغییر می‌دهند (گیدنز، ۱۳۸۸: ٦٢). بنابراین در نزد گیدنز هویت برساخته‌ی عصر جدید و زاده‌ی تجدد و نهادهای امروزین است. به نظر وی هویت شخصی نوعی خصیصه‌ی متمایز یا حتی مجموعه‌ای از خصیصه‌های متمایز نیست که در اختیار فرد قرار گرفته باشد. هویت شخصی در حقیقت همان خود است که شخص آن را بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌داند. هویت در این‌جا به معنای تداوم فرد در زمان و مکان است. درواقع هویت شخصی چیزی نیست که درنتیجه‌ی تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش حفاظت و پشتیبانی قرار دهد (همان: ۸۱). بنابراین هویت جمعی (هویت اجتماعی و فرهنگی) هم به مانند هویت شخصی در روند ساخت‌یابی و با توجه به موقعیت‌ها، شرایط، اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی و نیز خودآگاهی شکل می‌گیرد و همین آگاهی بر خود و هویت شخصی زمینه‌ی بروز هویت جمعی است. در نتیجه بین خودآگاهی فردی و هویت شخصی با هویت اجتماعی و فرهنگی ارتباط وجود دارد (همان: ۸۳).

نظریه‌ی هویت اجتماعی جنکینز

جنکینز هویت را محصول فرآیندی مستمر میان خود و دیگری می‌داند و معتقد است این دیالکتیک درونی – بیرونی بدین معناست که در شکل‌گیری هویت علاوه بر شناخت فرد از خود، میزان پذیرش این شناخت از سوی دیگران نیز به اندازه‌ی خود این شناخت ضروری است. بدین ترتیب فرد در عرصه‌ی مواجهه و رویارویی با دیگران به لحاظ برخورداری از شباهت یا تفاوت با آنان، نسبت به هویت خاص خود واکنش نشان می‌دهد و به‌طور دائم در رفت و برگشت‌های مکرر به تولید و بازتولید آن می‌پردازد. بنابراین هر "خود" منفرد مرکز تجسم‌یافته‌ی سپهر اجتماعی از

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

خود و دیگران است؛ کانون آمد و شدهای درونی – بیرونی و داده – ستانده‌های تبادلی که برخی از آن‌ها در خود حک می‌شوند و برخی نیز نمی‌شوند (عباسی قادی و خلیلی کاشانی، ۱۳۹۰: ٤٦). هرچند محققان بر سر منابع هویت‌بخش اجماع ندارند، ولی دست‌کم در این مورد اتفاق نظر دارند که با بسط فرآیند مدرنیته اضمحلال و تحلیل رفته تا حدی که قدرت استیلای خود را بر معنادهی به هویت کنش‌گران از دست می‌دهد (زلفعلی فام و ابراهیم پور، ۱۳۸۷: ۱۸۳).

مدیریت تأثیرگذار[1] گافمن

مضمون مهم در اثر گافمن، هویت است. افراد درون نظم تعاملی در مورد هویت‌های خود مذاکره می‌کنند. آن‌ها با فعال‌سازی توانش‌های تعاملی در روال‌های عادی موقعیتی (چهارچوب-بندی شده) تصویری از خود (از خویشتن) را برای پذیرش دیگران ارائه می‌دهند. به عقیده‌ی من، این وجه درونی دیالکتیک تعیین هویت با توجه به تصویر عمومی است. وجه بیرونی، پذیرش این ارائه توسط دیگران است؛ آن‌ها می‌توانند آن را بپذیرند یا نپذیرند. تعیین هویت فردی در روابط جاری میان تصویر از خود و تصویر عمومی ظهور می‌کند. در این‌جا مسأله‌ی هنرهای مدیریت تأثیر مطرح است: توانش‌های تعاملی که هویت‌های خاصی را برای دیگران می‌فرستد و تلاش می-کند میزان پذیرش آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

این‌ها شامل سبک و توانایی نمایشی، آرمان‌گرایی[2] ، کنترل معنادار [3]، معرفی غلط و سردرگمی است. بیشتر آن‌ها حاصل جامعه‌پذیری اولیه‌اند و در ارتباط جسمانی غیر کلامی به علاوه‌ی زبان به صورت عادی در می‌آیند و اینکه چگونه افراد تفاوت میان "هویت اجتماعی مجازی[4]" و " هویت اجتماعی واقعی [5]" خود را مدیریت می‌کنند؛ اولی به ظاهر آن‌ها برای دیگران در تعامل مربوط می-شود و دومی به آن چیزی برمی‌گردد که در نگاه دقیق‌تر معلوم می‌شود آن‌ها را دارا هستند (جنکینز، ۱۳۹٦: ۱۱۳ ، ۱۱٤ و ۱۱٦).

تئوری برچسب‌زنی[6]

[1] Effective management
[2] Idealism
[3] meaningful control
[4] Virtual social identity
[5] True social identity
[6] Labeling theory

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

گافمن معتقد است که افرادی که هویت واقعی بدنام دارند، می‌خواهند از لحاظ مجازی نرمال باشند: ننگ عبارت است از فاصله‌ی میان واقعی و مجازی و شرمندگی‌ای که درنتیجه‌ی کشف آن توسط دیگران حاصل می‌شود و مهم‌تر اینکه مهارت‌های مدیریت اطلاعات لازم برای کنترل این‌که چه کسی و تا چه حدی از این بدنامی اطلاع دارد. قضیه‌ی برچسب‌زنی به سه صورت آمده است: قانون‌شکنی عادی و مسری است و فقط در صورتی که مقتدرانه برچسب زده شود به منابع سنتی هویت‌بخش به تدریج رو به انحراف می‌گراید. کنش‌گران به این دلیل به انحراف می‌گرایند که این برچسب به آن‌ها زده می‌شود. آهنگ انحراف حاصل رفتار کارگزاران کنترل اجتماعی است. این مفهوم به این مسأله می‌پردازد که هویت از جمله مفاهیم نادری است که همان‌قدر از لحاظ فردی معنا دارد که از لحاظ جمعی، یک مفهوم استراتژیک است؛ چراکه هویت مبتنی بر منابع مشترکی از قصد و نیت (مانند اخلاقیات) و شبکه‌های تعاملی محدودیت و امکان است، مفهومی مهم در فهم ما از کنش و پیامدهای هم خواسته و هم ناخواسته‌ی آن است (همان : ٤٢).

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش نظریه ی داده بنیاد به عنوان یکی از روشهای مهم در پژوهش کیفی استفاده شده است. نظریه ی داده بنیاد، طرح پژوهش کیفی است که محقق بر اساس آن اقدام به تولید یک تبیین عام (نظریه) از یک فرایند، کنش یا تعامل می‌کند که بر اساس دیدگاه شماری از مشارکت کنندگان شکل می‌گیرد . در این روش جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها، همزمان انجام می‌شود، و گردآوری داده ها همراه با تحلیل تا جایی که به مرحله ی اشباع برسد، ادامه می یابد. تجزیه و تحلیل فرایندی است که با جمع آوری اولین قسمت داده ها شروع می‌شود و ترسیم بستر جزء اساسی آن به شمار می‌رود. در این فرایند، داده ها به کوچکترین اجزاء ممکن (مفاهیم) شکسته می‌شوند. داده های جدید همزمان با تمام داده‌ها از نظر تفاوت و شباهت مقایسه می‌گردند و مقوله سازی با مرور مکرر و ادغام کدهای مشابه انجام می‌گیرد. این نکته را نیز باید اضافه کرد که در روش نظریه ی داده بنیاد پژوهش‌گر کار را با نظریه‌هایی که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند، بلکه کار را در عرصه ی واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد، پدیدار شود (استراوس و کوربین ، ۲۰۰۸ : ۱۱۲) . چنین رهیافتی، پس ازاستخراج داده‌ها، به جای گذاشتن آن به محک تحلیل آماری، به تجزیه وترکیب غیرمقداری آن مبادرت می کند و در این مسیر، زمینه‌ساز نوعی انعطاف پذیری درپژوهش می شود. هدف ازتحلیل کیفی،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

درک معنا و ماهیت رابطه بین متغیرهاست. در ضمن با مقولاتی در پژوهش کیفی سروکار داریم که گاه قابل کمی شدن نیستند. روش‌های کیفی وسیله‌ای برای ارزیابی حقایق سنجش ناپذیر، درباره افراد تحت مطالعه پژوهش‌گران و نیز عناصر نمایانگر خصوصیات شخصیتی آنان هستند. درنتیجه پژوهش‌گران می‌توانند با فنون کیفی، در فهم و درک دیگران شریک شوند و با کشف ساختار زندگی مردم، دریابند که آن‌ها چگونه به زندگی خود و دیگران معنا می‌دهند. روش پژوهش روی انسان‌ها بر چگونگی بررسی شرکت کنندگان تاثیر می‌گذارد، به گونه‌ای که اگرا نسان‌ها به صورت آماری مطالعه شوند، خطرعدم تطابق با واقعیت برای نتایجی که ازنظر ریاضی دقیق‌اند، وجود دارد.(سفیری،۱۳۸۷:۲۸-۲۷). به طور کلی حرکت به سوی یک نظریه ی محدود به واقعیت در این رویکرد از پنج مرحله کدگذاری باز و تشخیص مفاهیم، توسعه ی مفاهیم در جهت ابعاد و ویژگی‌ها، وارد نمودن فرایند به تحلیل، تحلیل داده‌ها برای زمینه و یکپارچه سازی مقولات عبور می‌کند. مشارکت‌ئکنندگان پژوهش حاضر۲۲نفر از دانش‌جویان دانشکده ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران مرکزهستند. تحلیل داده‌ها: تحلیل داده‌ها با مدنظر قرار دادن ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در رویکرد سیستماتیک نظریه ی زمینه‌ای بر مبنای سه شیوه ساخته شده که عبارتند از: ۱)مفاهیم ۲)مقولات ۳)گزاره‌ها . مفاهیم: مفاهیم واحدهای اصلی تحلیل هستند، چرا که توسعه نظریه، محصول داده‌های جمع آوری شده نیست، بلکه دست یافتن به نظریه، نتیجه مفهوم-سازی از داده‌هاست (ذکائی،۱۳۸۱:۵۵) . داده ها پس از بررسی و انجام مقایسه‌های پایا و مراجعه مکرر به داده‌ها، توسط محقق، مفهوم سازی گشت. مفاهیم پر تکرار برآمده از داده‌های خام ٦٥ مفهوم را شامل شده است. سپس فرایند مقوله بندی، بر اساس رویه تحلیلی مقایسه کردن، گروه بندی مفاهیم در سطحی بالاتر و انتزاعی‌تر برای دستیابی به مقوله‌ها آغاز شد. در جریان این کار هر مفهوم با مفاهیم قبل یا بعد از خود و با کل مفاهیم موجود مقایسه و تطابق داده شد و بر اساس همانندی و نزدیکی، مقوله‌ها ساخته شدند. مقوله‌های ساخته شده شامل ٦ مقوله اصلی می‌باشد. در جدول شماره ۱ مفاهیم و مقولات به دست آمده ارائه شده‌است:

یافته‌های پژوهش

بر اساس مراحل روش نظریه‌ی دادهبنیاد، تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به شکل‌گیری ٦ مقوله‌ی اصلی شد (جدول شماره‌ی یک).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی یک- جدول مفاهیم، مقولات و مقوله‌ی محوری اثرات منفی استخراج‌شده از داده‌های کیفی

مفاهیم		مقوله
اختلال هویتی	سردرگمی	بحران هویت
کم‌رنگ‌شدن ارزش‌های فرهنگی	شیدایی – فردیت‌یابی	
نگرانی و تشویش	ستیز فرهنگی	
هاله‌پوشی	خشمگین و ناراضی	
رشد احساس منفی	تنش میان من و الزام‌های اجتماعی	
گسست ارتباط عاطفی و اجتماعی با دیگران	اختلال در نقش‌های اجتماعی	
افسردگی فیسبوکی	کم‌رنگ‌شدن سرمایه‌های اجتماعی	آزار سایبری
اختلال اضطراب عمومی	گسترش ارتباطات اجتماعی منفی و پیوندهای منفی	
سردرگمی	اختلال اضطراب عمومی OCD	
اجتماع هراسی	کاهش اعتبارات فرهنگی گروه‌های مرجع فرهنگی ارزشی جامعه	اختلال در کارکرد اجتماعی
اتلاف وقت	عدم رعایت تکالیف و انتظارات اجتماعی	
رشد حالات فردگرایی	گسست شبکه‌های ارتباط اجتماعی	
احساس جدایی و انزوا نشینی	کاهش هم‌فکری و مشارکت اجتماعی	
پرخاش‌گری و بدخلقی	اختلال در کارکرد اجتماعی	
عدم توجه و تمرکز	ناسازگاری اجتماعی	
گسترش مصرف مواد الکلی	عدم مسؤولیت‌پذیری	
گسترش مصرف اعتیاد	تعارض در نقش	
کاهش عزت نفس	ظاهرپرستی و خودنمایی	تصویر اندام
وسواس خود زشت‌پنداری	شخصیت نمایشی	
بت‌انگاری	اهمیت وجه سخت افزاری بدن	
اختلال بدریخت‌انگاری بدنBDD	زیست قدرت	
نمایش بر روی صحنه	رتوش رفتاری	
خودبیگانگی – بیگانگی از زمان	انجام جراحی‌های زیبایی	
طلب پذیرش دیگران	اهمیت فرم و فیزیک بدن	

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

داغ ننگ	احتمال افزایش خودکشی	
مخدوش‌شدن حریم‌های پشت صحنه	افسردگی و اضطراب	
هتک حیثیت فردی	احساس تنهایی	
کاهش پیوندهای عاطفی با خانواده و اجتماع	خودخوری و آسیب به خود	
شخصیت نمایشی و کمال گرا	سرخوردگی و احساس ناکامی	ترس از طردشدن
وسواس اینترنتی	اهمیت اجرای مدیریت تأثیرگذار	
ابزار کسب محبوبیت و اعتبار	رقابت و شتاب	
چند شخصیتی	اتلاف وقت	
نگرانی و تشویش	سرخوردگی و احساس ناکامی	
کاهش مشارکت مدنی	اهمیت قدرت در اجتماع مدرن	
وسواس تلفن همراه	همانندسازی خود با گروه‌های هم-سالان	
ترس از جدا افتادگی اجتماعی	افت عملکرد اجتماعی	

در ادامه به هریک از مقولات اصلی به مثابه یافته‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

بحران هویت

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها آشکار ساخت که چهار مورد از پنج شبکه‌ی اجتماعی که بیـشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند عملاً احساس اضطراب آن‌ها را بدتر می‌کنند. این تحقیق نشان داد، افراد جوانی که استفاده زیادی از رسانه‌های اجتماعی دارند به عبارتی زمانی بیش از دو ساعت در روز را در سایت‌های شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، توئیتر یا اینستاگرام می‌گذرانند، ممکن است احساس سرخوردگی و ناامیدی پیدا کرده و حتی تصور کنند هیچ نکته‌ی مثبتی در زندگی آن‌ها وجود ندارد و حتی با دیدن این تصاویر زمینه برای ابتلا به افسردگی در آن‌ها فراهم شود. نگرش «مقایسه و ناامیدی» در جوانان احساس بی‌کفایتی، عدم اعتماد به نفس، کاهش عزت‌نفس، حرمت نفس ضعیف و تداوم کمال‌گرایی و سردرگمی نقش است و عدم دست‌یابی به نیازها و آرزوها بحران هویت سبب می‌شود.

اختلال در کارکرد اجتماعی

برخی بیان می‌کنند که در طول شب برای بررسی پیام‌ها در شبکه‌های اجتماعی بیدار می‌مانند که موجب می‌شود که سه برابر خستگی بیشتر نسبت به همکلاسی‌های خود که از شبکه‌های اجتماعی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در طول شب استفاده نمی‌کنند دارند. این امر به‌نوبه‌ی خود موجب اختلال در کارکرد اجتماعی آن-ها می‌شود.

تصویر اندام

تأثیر صنایع فرهنگی بر نگرش‌ها و رفتار جوانان با این فرض آغاز می‌شود که این رفتار، مبتنی بر جهت‌گیری به سمت یادگیری از طریق تقلید رفتاری است که از طریق رسانه‌های جمعی منتقل می‌شوند. این خود مشکلاتی نظیر به عینی و واقعی‌بودن تصویری است که رسانه‌های جمعی از جهان به دست می‌دهند. این تصویر، برخی اوقات یک‌سویه و یا نادرست است؛ چراکه رسانه می-تواند با امکانات عظیم خود، حقایق را دستکاری کرده و الگوهایی را ساخته و پرداخته نماید که حقیقت ندارد. گزافه نیست اگر گفته شود که بحران بنیادین رسانه‌های جمعی امروزی، بحران حقیقت است؛ چراکه امکان تبدیل ارزش‌های نمایش داده‌شده از رسانه‌های جمعی به بخشی از شخصیت افراد، بدل به الگویی زیباشناختی می‌شوند. تصویر بدن مسأله‌ی مهمی در افراد جوان چه زن و چه مرد است اما برای زنان در سنین نوجوانی و اوایل دهه‌ی بیست اهمیت زیادی دارد. حدود ۵ نفر از ده دختر جوان می‌گویند که از اندام خود ناراضی هستند و اعتمادبه‌نفس کمتری نسبت به دیگران دارند. در حقیقت اعتمادبه‌نفس بالا سنگ بنای موفقیت‌های کوچک یا بزرگ در زندگی محسوب می‌شود. شبکه‌های اجتماعی افزایش تصمیم نسل جوان به جراحی زیبایی را با انتشار تصاویر سلبریتی‌ها و مانکن‌ها افزایش داده تا همه عکس‌ها را بهتر ببینند. همین امر دارای پیامدهایی برای سلامت جسمی از طریق عمل جراحی غیرضروری است.

آزار سایبری

آزار و اذیت طی کودکی یک عامل خطرزای اصلی برای برخی مسائل مانند سلامت روانی، آموزش و روابط اجتماعی با اثرات درازمدت است. افزایش رسانه‌های اجتماعی به این معنی است که کودکان و افراد جوان اغلب در تماس با یکدیگر هستند. روزها در مدرسه با ارتباط دیداری پر می‌شود و زمان در خانه با تماس از طریق شبکه‌های اجتماعی. زمان کمی برای جوان‌های امروز به‌صورت غیرتعاملی سپری می‌شود. ازآن‌جا که بیشتر این تعاملات مثبت هستند همچنین فرصتی را برای متعرضان برای ادامه سوءاستفاده فراهم می‌کند. حتی زمانی‌که به‌طور فیزیکی نزدیک به فرد نباشند. افزایش شبکه‌های اجتماعی برخی اوقات مشکل‌آفرین است چون به‌عنوان ابزاری سریع برای گردش پیام‌ها آزار و اذیت و انتشار تصاویر هستند. ۳۷٪ افراد جوان بیان می‌کنند که تجربه‌ی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

آزارهای سایبری را در دفعات زیاد داشته‌اند. قربانیان این آزار اذیت احتمالاً دارای عملکرد تحصیلی پایین، افسردگی، اضطراب، خود آسیبی، احساس تنهایی و تغییر در الگوی خواب و تغذیه بودند که همه‌ی آن‌ها می‌توانند سطح زندگی افراد جوان را تغییر دهند.

ترس از طردشدن

مفهوم ترس از پذیرفته‌نشدن(FoMO) نسبتاً جدید است و به‌سرعت در فرهنگ ما رایج شده است که به دلیل پیدایش و افزایش تعداد رسانه‌های اجتماعی است. این اصطلاح به‌ویژه در افراد جوان استفاده می‌شود. در اصل FoMO نگرانی از رویدادهای اجتماعی یا به‌عبارت‌دیگر فعالیت-های لذت‌بخش است که احتمالاً بدون آنکه شما از وقوع آن لذت ببرید اتفاق می‌افتد. FoMO نیاز به ارتباط مداوم با سایر افراد مشغول دارد تا مورد پذیرش قرار گیرند. FoMO با خلق‌وخوی بد و رضایت از زندگی کمتر همبستگی دارد. به اشتراک گذاشتن عکس‌ها و ویدئو در رسانه‌های جمعی به این معناست که افراد جوان با جریان بی‌انتهای تجربیات سایرین مواجه می‌شوند که می‌تواند به‌طور بالقوه موجب صرف احساساتی شود که در زندگی نداشتند. FoMO ارتباط تنگاتنگی با سطوح بالای موافقت رسانه‌های اجتماعی دارند که یعنی استفاده‌ی شخصی بیشتر از رسانه‌های اجتماعی موجب افزایش احتمال وقوع FoMO می‌شود. بسیاری از افراد درجاتی از FoMO را تجربه می‌کنند و برای بسیاری مسأله‌ی خاصی نیست. با وجود این، افزایش گزارش افراد در این خصوص که FoMO سبب می‌شود که آن‌ها تنش خود را به‌صورت اضطراب و احساس ناکافی-بودن نشان دهند.

کدگذاری محوری

مرحله‌ی دوم کدگذاری محوری است و برای یافتن روابط میان مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها به کار رفته و داده‌ها را دوباره به شیوه‌ای جدید روی هم می‌گذارد که به تعبیر استراوس و کوربین(۱۳۹۲) فرآیند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی است. کدگذاری محوری با استفاده از یک پارادایم انجام می‌گیرد که شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهاست.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

شرایط علی

در نظریه‌ی مبنایی به چرایی و چگونگی واکنش سوژه‌ها به یک پدیده‌ی خاص اشاره دارد. در تحقیق حاضر، شرایط علی به مجموعه‌ای از علل و عوامل ایجابی و ایجادی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت فرهنگی جوانان از منظر سوژه‌ها اشاره دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی دو- شرایط علی

	شرایط علی
کاهش حرمت نفس	لیلا : '' از طریق شبکه های اجتماعی با گروه هایی آشنا شدم و مرتب با هم چت می کردیم و دوست داشتم شاخ گروه باشم وهمیشه آنلاین بودم . گاهی تا 24 ساعت بیدار می ماندم و همه ی کامنت ها را چک می کردم همین هم موجب کمبود خواب و در نتیجه افت تحصیلی شدید شد . همیشه خسته بودم و عصبی کارهای روزمره ام را دیگر نمی توانستم به خوبی انجام دهم . کمی هم چاق شده بودم و عزت نفسم هم آمده بود پایین و اصلا هیچ تمرکز و توجهی بر روی کارهای روزمره ی خودم ندارم همین باعث شد که بعضی از واحدهای دانشگاهیم را بیفتم ''.
وسواس خود زشت پنداری (Bdd)	مایده: '' اصلا از اندام خودم راضی نیستم وقتی از طریق شبکه های اجتماعی مدل های معروف و سایر مانکن های معروف را می بینم احساس ناراحتی می کنم و همیشه بدنبال هویت جدیدی هستم و گاه از خودم بدم می آید که چرا مثل آنها نیستم . به خاطر همین هر طور که شده می خواهم جراحی کنم ''.
داغ ننگ	مهتا : '' من شخصا مورد آزار قرار گرفتم و سپس در فیسبوک توسط گروهی از دختران دانشگاه (عکس های خصوصی مرا پخش کردند). دست از غذا خوردن کشیدم و به سختی می خوابیدم و به شدت اضطراب در خروج از خانه و رفتن به دانشگاه داشتم این مسئله به‌شدت سلامت روانی و آسایش مرا تحت تأثیر قرارداد ''. مرضیه : '' دوستی و ارتباط در شبکه های مجازی لطمه ای بزرگ به من زد . دوست پسرم با سوء استفاده از تصاویر من و با اضافه کردن نوشتارهای مختلف و حتی بی ادبانه ، اقدام به ساخت برچسب (استیکر) غیر اخلاقی از این تصاویر کرد و آن ها را در شبکه های اجتماعی منتشر کرد . لطمه ای بزرگ به من زد طوری که از نظر روحی و روانی حسابی به هم ریختم که موجب خود خوری و آسیب به خودم شدم حتی افسردگی شدیدی هم گرفتم بطوریکه یکی دو ترم نتوانستم بروم دانشگاه ''.
اهمیت اجرای بهترین نمایش بر روی صحنه	مریم : '' از نظر من چون عکس ها و پروفایل هرکسی خیلی مهم است برایم داشتن اندام بدنی و رو فرم بودن و جذابیت خیلی مهم تر است . به خاطر همین دو سه جراحی زیبایی کردم . و از اینکه همه در کامنت هایشان در مورد اندامم اظهار نظر می کنند لذت می برم ''.
ظاهرپرستی و خودنمایی	زهرا: '' اینستاگرام به‌آسانی به زنان و دختران این احساس را می‌دهد که فرم بدن ما به‌اندازه کافی زیبایی نسبت به سایر افراد را ندارد و به همین علت عکس و پروفایل خود را ویرایش می کنم تا بسیار عالی به نظر برسم ''.
هتک حیثیت فردی	ویدا : '' آزار افراد ناشناس آنلاین در توییتر پیرامون موضوعات شخصی موجب آزار رساندن به خودم و ترسیدن از رفتن به دانشگاه شد. آزار و اذیت در اینستاگرام باعث شد تا من تلاش به خودکشی و آسیب به خود نمایم. هر دو باعث شدند تا من تجربه افسردگی مداوم و اضطراب را داشته باشم''.
آشفتگی منش در اثر خودشیفتگی	منیژه : اصولا وجه مشترک خیلی از کاربران از جمله خودم این است که یک نوع شخصیت و هویت آرمانی با یک تیپ ایده آل از خود نشان بدهیم . به همین خاطر مرتب تلاش می کنیم تا همیشه روی فرم بدنی خوب باشیم حالا یا با جراحی یا استفاده از دستگاه های زیبایی ''.
اهمیت قدرت در اجتماع مدرن	پریسا : اگر بخواهیم محبوبیت و اعتبار و قدرت در جامعه داشته باشیم اولین شرط آن زیبایی است که برای من اهمیت دارد . بر همین اساس است که لایک و فالوور ها هم بالا می رود ''.
اختلال هویتی	مایده : '' اصلا از اندام خودم راضی نیستم وقتی از طریق شبکه های اجتماعی مدل های معروف و سایر مانکن های معروف را می بینم احساس ناراحتی می کنم و همیشه بدنبال هویت جدیدی هستم و گاه از خودم بدم می آید که چرا مثل آنها نیستم . به خاطر همین هر طور که شده می خواهم جراحی کنم ''.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

شرایط زمینه‌ای:

شرایط زمینه‌ای مجموعه‌ی خاصی از شرایط‌اند که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموعه‌ی اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد با عمل و تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند. شرایط زمینه‌ای منشأ در شرایط علی و دخالت دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آن‌ها با یکدیگر برای شکل‌دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون‌اند. زمینه‌هایی که در آن راهبردهای مربوط به نقش شبکه‌های اجتماعی بر هویت فرهنگی بسط یافته-اند:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی سه- شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه ای	
شخصیت نمایشی و کمال گرا	امیر مهدی : " من همزمان چند صفحه در اینستا دارم و هرکدام هم با یک شخصیت متفاوت و مدیریت کردن هر کدام هموقت زیادی از من می گیرد بطوری که گاهی وقت ها مجبورم تا ساعت ها بیدار بمانم . بخاطر همین از برخی کارها و مسئولیت هایم جا می مانم یا بخوبی نمی توانم آنها را انجام دهم . "
وسواس تلفن همراه	منصوره : " من مجبور بودم تا شارژر موبایلم را برای استفاده از فیس‌بوک همراه داشته باشم، به‌عبارت‌دیگر اگر ارتباطم با اینترنت و این شبکه ها قطع می شد حسابی احساس جدایی می‌کردم کلافه می شدم و شروع به خوردن ناخن می‌کردم"
سرخوردگی و احساس ناکامی	مهدیه : " من از طریق شبکه ها بخصوص فیسبوک و اینستا سیگار کشیدن و الکل را تجربه کردم چون می خواستم مثل جوانان خارجی باشم آزاد و خوشحال و مرتب خودم را با زندگی آنان مقایسه می کردم . همیشه اضطراب داشتم . کم کم مشکلات روحی و روانی برایم پیش آمد افسردگی از یک طرف و انزجار از همه و همه کس از طرف دیگر و گاهی هم حتی فکر خودکشی به سرم می زد . افسرده و گوشه گیر شدم . سر کلاس ها هم (دانشگاه) یکی درمیان می آیم و افت شدید تحصیلی هم دارم . گاهی هم از خودم از عالم و آدم بیزارمی شم ".
عدم امنیت پشت صحنه	مرضیه : " دوستی و ارتباط در شبکه های مجازی لطمه ای بزرگ به من زد . دوست پسرم با سوء استفاده از تصاویر من و با اضافه کردن نوشتارهای مختلف و حتی بی ادبانه ، اقدام به ساخت برچسب (استیکر) غیر اخلاقی از این تصاویر کرد و آن ها را در شبکه های اجتماعی منتشر کرد . لطمه ای بزرگ به من زد طوری که از نظر روحی و روانی حسابی به هم ریختم که موجب خود خوری و آسیب به خودم شدم حتی افسردگی شدیدی هم گرفتم بطوریکه یکی دو ترم نتوانستم بروم دانشگاه " .
وسواس اینترنتی	لیلا : "از طریق شبکه ها با گروه هایی آشنا شدم و مرتب با هم چت می کردیم و دوست داشتم شاخ گروه باشم وهمیشه آنلاین بودم . گاهی تا 24 ساعت بیدار می ماندم و همه ی کامنت ها را چک می کردم همین هم موجب کمبود خواب و در نتیجه افت تحصیلی شدید شد . همیشه خسته بودم و عصبی کارهای روزمره ام را دیگر نمی توانستم به خوبی انجام دهم . کمی هم چاق شده بودم و عزت نفسم هم آمده بود پایین و اصلا هیچ تمرکز و توجهی بر روی کارهای روزمره ی خودم ندارم همین باعث شد که بعضی از واحدهای دانشگاهیم را بیفتم " .
ترس از جدا افتادگی اجتماعی	بارسا : " من از همان دوران کودکی نمایلاتی دخترانه داشتم (لباس های صورتی و پنفش دوست داشتم و عروسک بازی می کردم) والدینم سرسختانه برخورد بدی با من داشتند و در سن جوانی تصمیم به تغییر جنسیت گرفتم مخالفت پدر و مادرم از یکطرف و فرهنگ جامعه که هیچ ارزشی برای ما قائل نمی شود و از طرف جامعه هم طرد می شوم . حتی دانشگاه هم مرا به خاطر ظاهرم تنبیه آموزشی کرده است . بیشترین وقت خود را با شبکه های اجتماعی می گذرانم و با گروه های مثل خودم در خارج از کشور بر خوردم و همین که می دیدم ترنس در آن جوامع مشکلاتی ندارند از ایرانی بودن و فرهنگ غالب کشورم بیزار می شوم . برای خلاصی از این فشار کمپینی در شبکه های اجتماعی به نام " من را دریابید " راه انداختم . فکرش را هم نمی کردم در مدت کوتاهی فالوورانم روز به روز بشدت بیشتر شد و از تصمیم من برای تغییر جنسیت حمایت می کردند و برخی نیز حاضر به دادن مبالغی هم بودند . با مراجعه به پزشک و ارجاع به روانکاو و شرکت در کلاس های تراپی به حقیقتی اعتراف کردم . هراس از تغییر جنسیت داشتم و این تنهاترین دلیل جراحی بود و می ترسیدم اگر انصراف بدهم فالوراتم را ازدست بدهم و ترس از طرد شدن مثل کابوس بود . مرتب پی گیری می کنند و در کامنت ها پیغام می گذارند که روز جراحی را اعلام کنم اصلا من از جراحی می ترسم . همیشه استرس و تنش دارم " .
کمرنگ شدن ارزش های فرهنگی	هونن : " با عضویت در شبکه ها بیشتر مرا ناراحت و عصبی می کند . همیشه احساس جدایی و ترس دارم . اگر متوجه موضوع من بشوند از طریق شبکه ها طلب ارتباط جنسی از من دارند . باید عضو شبکه ها باشی تا مورد پذیرش افراد قرار بگیری برای من دیگر ارزش ها و اخلاقیات جامعه ام اهمیت ندارد " .
آزار و اذیت سایبری	مهنا : " من سخصا مورد آزار قرار گرفتم و سپس در فیسبوک توسط گروهی از دختران دانشگاه (عکس ها ی خصوصی مرا پخش کردند). دست از غذا خوردن کشیدم و به سختی می خوابیدم و به شدت اضطراب در خروج از خانه و رفتن به دانشگاه داشتم این مسئله به‌شدت سلامت روانی و آسایش مرا تحت تأثیر قرارداد "

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

شرایط مداخله‌گر و میانجی:

منظور از شـرایط مداخله‌گر، وضعیت‌هایی است که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل تأثیر-گذار هستند. به عبارت دیگر این شـرایط به عوامل و عناصری مناسب و یا نامناسب اشاره دارند که اثرات یک یا چـــند عامل تغییر را کندتر یا فعـال‌تر می‌سازند. در این تحقیق، شرایط مداخله-گری که به‌کارگیری راهبردها را تسهیل یا محدود می‌کنند، شامل:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی چهار- شرایط میانجی و مداخله‌گر

شرایط میانجی	
اختلال استرس پس از سانحه	ویدا : " آزار افراد ناشناس آنلاین در نوییتر پیرامون موضوعات شخصی موجب آزار رساندن به خودم و ترسیدن از رفتن به دانشگاه شد. آزار و اذیت در اینستاگرام باعث شد تا من تلاش به خودکشی و آسیب به خود نمایم. هر دو باعث شدند تا من تجربه افسردگی مداوم و اضطراب را داشته باشم" .
اجتماع هراسی	مرضیه : " دوستی و ارتباط در شبکه های مجازی لطمه ای بزرگ به من زد . دوست پسرم با سوء استفاده از تصاویر من و با اضافه کردن نوشتارهای مختلف و حتی بی ادبانه ، اقدام به ساخت پرچسب (استیکر) غیر اخلاقی از این تصاویر کرد و آن ها را در شبکه های اجتماعی منتشر کرد . لطمه ای بزرگ به من زد طوری که از نظر روحی و روانی حسابی به هم ریختم که موجب خود خوری و آسیب به خودم شدم حتی افسردگی شدیدی هم گرفتم بطوریکه یکی دو ترم نتوانستم بروم دانشگاه و همینطور از حضور در بین دوستان و همکلاسی و فامیل وحشت داشتم " .
کاهش تعاملات اجتماعی	محمد : " زمانی که می‌توانید در یک اپلیکشن بگذرانید- خیلی اعتیادآور است. زمانی را که برای بازنگری صرف می‌کنم نمی‌توانم تکالیفم را انجام دهم نمی‌توانم با خانواده یا دوستانم تعامل کنم و زمان خواب شبانه را نیز از دست می‌دهم و پرخاشگر و بی حوصله می شوم ونمی توانم کارهای ارجاعی در کارم را خوب انجام دهم ".
هاله پوشی	الهه : " همیشه نگرانم که دیگران در مورد من چه قضاوتی می کنند . از رفتار و ظاهرم گرفته تا موقعیت اجتماعی و اقتصادی ام . اضطراب دارم و عزت نفس پایین . درجمع کمتر صحبت می کنم چون لهجه دارم . مجبورم هویت فرهنگی خودم را همیشه پنهان کنم . عکس های پروفایلم هم را همیشه فتوشاپ می کنم تا خودم را بهتر و زیباتر نشان دهم " .
رتوش رفتاری	امیر مهدی : " من همزمان چند صفحه در اینستا دارم و هرکدام هم با یک شخصیت متفاوت و مدیریت کردن هر کدام هم وقت زیادی از من می گیرد بطوری که گاهی وقت ها مجبورم تا ساعت ها بیدار بمانم . بخاطر همین از برخی کارها و مسئولیت هایم جا می مانم یا بخوبی نمی توانم آنها را انجام دهم . "

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

راهبردها:

راهبردها مکانیزم و تدبیری است که در برخورد با پدیده به‌کار گرفته می‌شود . کنش‌گران جهت تحقیق پدیده به تدابیری می‌اندیشند و با توجه به شرایط و امکانات موجود راهبردی را اخذ می‌کنند. استراوس و کوربین راهبردهای چگونگی مدیریت موقعیت‌ها را که توسط افراد در مواجه با مسایل به‌کار گرفته می‌شود تعریف می‌کنند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰ : ۱۵۵) . به عبارت دیگر راهبردها کنش‌های هدف‌مندی هستند که برای حل یک مسأله یا نیل به اهدافی صورت می‌گیرند و یا صورت‌گرفتن آن‌ها، پدیده، محقق می‌شود. در نظریه‌ی استراوس و کوربین شرایط زمینه‌ای و شرایط میانجی هردو راهبردها ناظراند و متوجه فعالیت‌ها و برنامه‌هایی هستند که به تحقق و شکل‌گیری پدیده منجر گردد. در تحقیق حاضر بر راهبردهای متعددی از سوی سوژه‌ها جهت حصول به نقش شبکه‌های اجتماعی بر هویت فرهنگی جوانان تأکید گردیده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی پنج – راهبردها

راهبردها	
افزایش اعتماد به نفس	زهرا : وقتی یک جوان بدنبال این است که خودش را مرتب در صفحات و پیج های اینستا و فیسبوک خودش را نشان دهد به معنای این است که اعتماد به نفس ندارد . آدم باید خودش را دوست داشته و همین طوری قبول کند.
کاهش خطرات و آسیب های اجتماعی و روانی با برنامه ریزی صحیح	سهیل : من هم معتقدم که هیچ چیزی مثل یک آموزش صحیح با برنامه ریزی اصولی نمی تواند برای خطرات و مسایل و مشکلات ناشی از همین شبکه ها مفید باشد .
افزایش مهارت ها و آگاهی اجتماعی جوانان	مهدی : شبکه ها و اینترنت همانطور که مفید و همه ی کارهای روزمره و زندگی وابسته به آنها است به همان نسبت هم خطرات و آسیب های خودش را هم دارد . برای جلوگیری از این آسیب ها بهتر است که دولت و نهاد مدرسه و دانشگاه ها مهارت استفاده و آگاهی افراد را نسبت به همه ی جوانب این شبکه ها را بالابرند .
تشویق و افزایش انگیزه ی همفکری جوانان در مسائل اجتماعی	مینا : من یک جوانم و دارم ارشد می خوانم اما ته دانشگاه ته جامعه هرگز از دانش و ایده و خلاقیت ما اصلا استفاده نمی کنند . اگر سازمان ملی جوانان گروه های جوانان تشکیل دهد یا هر دانش و مهارتی همین امر سبب می شود که جوانان دلگرم شده و کم تر بدنبال انلاف وقت در این شبکه ها باشند .
افزایش مشارکت اجتماعی و سپردن نقش های مهم جامعه	امین : بهترین حالتی که جوانان و حتی نوجوانان کم تر دچار آسیب و گرفتاری ها شوند این است که آنها را باور کرده و شغل و کار برای آنها ایجاد کنند .
افزایش همبستگی اجتماعی	آلیتا : اگر همه باد بگیرند که به اقوام و سایر ادیان احترام بگذارند و همه با هم اتحاد داشته باشند و اینطوری جوانان همدیگر را پیدا می کنند و می توانند به همدیگر کمک نمایند
لزوم آگاهی بخشی صحیح ارزش ها ی فرهنگی سایر ملل به جوانان	داوود : قبل از اینکه اینترنت و شبکه ها را دسترس قرار بدهند باید آموزش و کاربرد و کارایی هرکدام را هم بدهند . مثلا در آمریکا بچه که 18 سالش تمام شود به راحتی از والدین خود جدا می شود و سررسته ی زندگیش دست خودش می افتد و پدر و مادر هم حق دخالت ندارند و با حتی بارنی رفتن و همخانه شدن با جنس مخالف . خب این مورد در همان جامعه و قوانین خودش است . من خیلی از بچه را می شناسم که مرتب در این پیج ها با هم چت می کنند و می خواهند تقلید کنند . نتیجه اش هم می شود این پی بند و باری و اعتیاد و بدبختی دیگر .

پیامدها:

آخرین اصطلاح پارادایمی در روش نظریه‌ی مبنایی استراوس و کوربین پیامدهاست. به‌زعم آنان هرجا راهبردی یا انجام عملی در پاسخ به امر یا مسأله‌ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی اتخاذ شود، پیامدهایی همراه دارد. در تحقیق حاضر هریک از راهبردهای پیشنهادشده از سوی سوژه‌ها که به تحقق و شکل‌گیری نقش شبکه‌های اجتماعی بر هویت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

فرهنگی جوانان منجر می‌گردد، پیامدهایی را نیز در بر دارد. سوژه‌های تحت مطالعه به پیامدهایی در این خصوص اشاره کرده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی شش- پیامدها

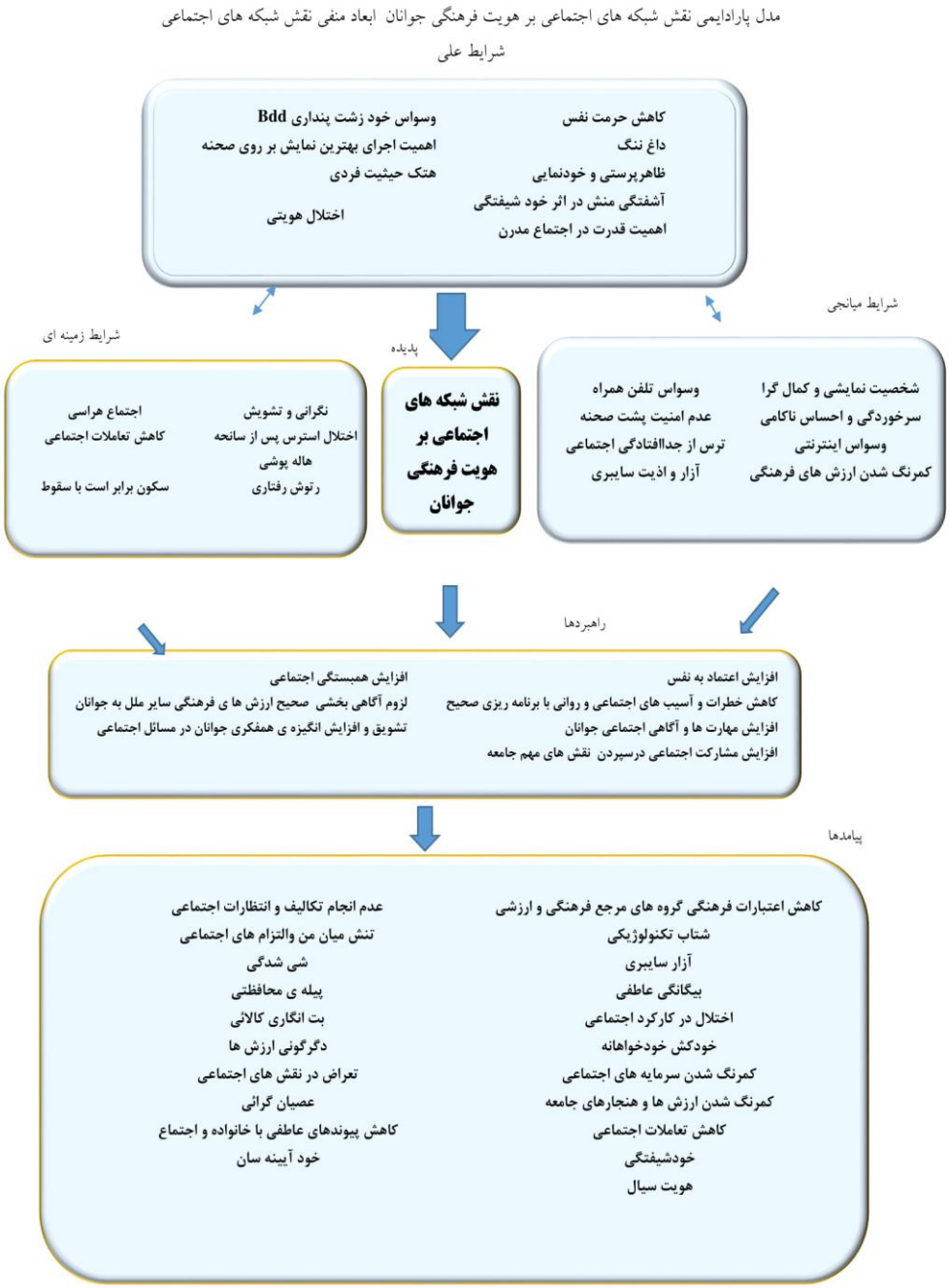
	پیامدها
کاهش اعتبارات فرهنگی گروه های مرجع فرهنگی و ارزشی جامعه	مایده : " اصلا از اندام خودم راضی نیستم وقتی از طریق شبکه های اجتماعی مدل های معروف و سایر مانکن های معروف را می بینم احساس ناراحتی می کنم و همیشه بدنبال هویت جدیدی هستم و گاه از خودم بدم می آید که چرا مثل آنها نیستم . به خاطر همین هر طور که شده می خواهم جراحی کنم " .
عدم انجام تکالیف و انتظارات اجتماعی	امیر مهدی : " من همزمان چند صفحه در اینستا دارم و هرکدام هم با یک شخصیت متفاوت و مدیریت کردن هر کدام هموقت زیادی از من می گیرد بطوری که گاهی وقت ها مجبورم تا ساعت ها بیدار بمانم . بخاطر همین از برخی کارها و مسئولیت هایم جا می مانم یا بخوبی نمی توانم آنها را انجام دهم . "
تنش میان من و التزام های اجتماعی	فرزانه : " این (رسانه‌های اجتماعی) سبب شدند که من نتوانم به‌خوبی غذا بخورم و وزن زیادی را از دست بدهم و بسیار افسرده شوم، از یکطرف آزادی و احساس لذت وخوشگذرانی بود و از یکطرف هم فشار خانواده و هنجارها بود . درنهایت بهبود پیدا کردم که برای من بسیار دشوار بود اما پس از 8 سال مجدد توانستم روبراه شوم. به‌طورکلی باید بگویم که رسانه‌های اجتماعی در من مسائل بسیاری را ایجاد کرد و چندین بار باعث ایجاد افسردگی و استرس و حتی در من بیزاری از خودم و اطرافیانم و کم کم از اجتماع دور شدم " .
شی شدگی	مریم : " از نظر من چون عکس ها و پروفایل هرکسی خیلی مهم است برایم داشتن اندام بدنی و رو فرم بودن و جذابیت خیلی مهم تر است . به خاطر همین دو سه جراحی زیبایی کردم . و از اینکه همه در کامنت هایشان در مورد اندامم اظهار نظر می کنند لذت می برم " .
پیله ی محافظتی	زهرا: " اینستاگرام به‌آسانی به زنان و دختران این احساس را می‌دهد که فرم بدن ما به‌اندازه کافی زیبایی نسبت به سایر افراد را ندارد و به همین علت عکس و پروفایل خود را ویرایش می کنم تا بسیار عالی به نظر برسم " .
عصیان گرایی (نوع چهارم نظریه انحرافات مرتن)	پارسا : " من از همان دوران کودکی تمایلاتی دخترانه داشتم (لباس های صورتی و پنقش دوست داشتم و عروسک بازی می کردم) والدینم سرسختانه برخورد بدی با من داشتند و در سن جوانی تصمیم به تغییر جنسیت گرفتم مخالفت پدر و مادرم از یکطرف و فرهنگ جامعه که هیچ ارزشی برای ما قائل نمی شود و از طرف جامعه هم طرد می شوم . حتی دانشگاه هم مرا به خاطر ظاهرم تنبیه آموزشی کرده است . بیشترین وقت خود را با شبکه های اجتماعی می گذرانم و با گروه های مثل خودم در خارج از کشور بر خوردم و همین که می دیدم ترنس در آن جوامع مشکلاتی ندارند از ایرانی بودن و فرهنگ غالب کشورم بیزار می شوم . برای خلاصی از این فشار کمبینی در شبکه های اجتماعی به نام " من را دریابید " راه انداختم . فکرش را هم نمی کردم در مدت کوتاهی فالوورانم روز به روز بشدت بیشتر شد و از تصمیم من برای تغییر جنسیت حمایت می کردند و برخی نیز حاضر به دادن مبالغی هم بودند . با مراجعه به پزشک و ارجاع به روانکاو و شرکت در کلاس های ترابی به حقیقتی اعتراف کردم . هراس از تغییر جنسیت داشتم و این تنهاترین دلیل جراحی بود و می ترسیدم اگر انصراف بدهم فالوارانم را ازدست بدهم و ترس از طرد شدن مثل کابوس بود . مرتب پی گیری می کنند و در کامنت ها پیغام می گذارند که روز جراحی را اعلام کنم اصلا من از جراحی می ترسم . همیشه استرس و تنش دارم " .
دگرگونی ارزش ها	پریسا : اگر بخواهیم محبوبیت و اعتبار در جامعه داشته باشیم اولین شرط آن زیبایی است که برای من اهمیت دارد . بر همین اساس است که لایک و فالوور ها هم بالا می رود " .
سکون برابر است با سقوط	هادی : " طی امتحان دانشگاه خیلی تحت‌فشار بودم به دلیل این واقعیت که من تحت تأثیر قرارگرفته بودم ما گروهی را تشکیل داده بودیم که مرتب پیام به هم می دادیم و هرکسی که کم تر فعالیت می کرد دیلیت اکانت می شد و همیشه ترس این را داشتم که اگر رسانه اجتماعی خود را خاموش کنم کنار گذاشته شوم. درنتیجه نمی‌توانستم با خودم مبارزه کنم و به دلیل اضطراب و استرس تمرکز کافی روی مطالعه نداشته باشم " .

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

کمرنگ شدن سرمایه های اجتماعی	رها : " ناامید از زندگی هستم . همیشه استرس دارم و هیچ امیدی به آینده ندارم همینطور الکی درس می خوانم . وقتی از طریق شبکه های اجتماعی می بینم دیگر کشورها چطور در رفاه و آسایش زندگی می کنند حسرت می خورم که چرا من مثل آنها نیستم . شما یک نگاه به خانه و زندگی ما بینداز و با مال آنها مقایسه کن . من همیشه حسرت دیگران را می خورم " .
کمرنگ شدن ارزش ها و هنجارهای جامعه	هوتن : " با عضویت در شبکه ها بیشتر مرا ناراحت و عصبی می کند . همیشه احساس جدایی و ترس دارم . اگر متوجه موضوع من بشوند از طریق شبکه ها طلب ارتباط جنسی از من دارند . باید عضو شبکه ها باشی تا مورد پذیرش افراد قرار بگیری برای من دیگر ارزش ها و اخلاقیات جامعه ام اهمیت ندارد " .
کاهش تعاملات اجتماعی	راحله : " من شب تا صبح در اینستا می چرخم و می‌توانم بفهم که چگونه این سایت می‌تواند روی برخی از جوانان تاثیر منفی بگذارد. اگر شما دوستان زیادی نداشته باشید یا از زندگی خود لذت کافی نبرید و در عین حال تصاویر افراد دیگر را در حال شادی یا گذراندن اوقات خوب در سایت‌های اجتماعی ببینید، قطعا روی روحیه شما تاثیر منفی خواهد گذاشت و همین باعث ناراحتی و احساس یاس و ناامیدی می شود " .
خودشیفتگی فلج کننده	لیلا : "از طریق شبکه ها با گروه هایی آشنا شدم و مرتب با هم چت می کردیم و دوست داشتم شاخ گروه باشم وهمیشه آنلاین بودم . گاهی تا 24 ساعت بیدار می ماندم و همه ی کامنت ها را چک می کردم همین هم موجب کمبود خواب و در نتیجه افت تحصیلی شدید شد . همیشه خسته بودم و عصبی کارهای روزمره ام را دیگر نمی توانستم به خوبی انجام دهم . کمی هم چاق شده بودم و عزت نفسم هم آمده بود پایین و اصلا هیچ تمرکز و توجهی بر روی کارهای روزمره ی خودم ندارم همین باعث شد که بعضی از واحدهای دانشگاهیم را بیفتم " .
هویت سیال	مریم :" گذران هر روزه ی من در شبکه های اجتماعی سطح استرس و اضطراب اجتماعی را در من افزایش می‌دهد . من همیشه نگرانم که دیگران چه فکری در مورد مطالب و عکس‌های من می‌کنند و از همـــــه مهم تر هنگام چت با دیگر کاربران خارجی سعی می کنم که هویت خودم را فاش نکنم"

نتایج حاصله به صورت شماتیک و به صورت مدل پارادایمی در نمودار شماره‌ی۱ ارائه می‌گردد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول گروه- راهنمای سریع

بر اساس سؤالاتی که پرسیده شد، افراد جوان گروه‌بندی می‌شوند، در زیر یک راهنمای سریع برای هر شبکه‌ی اجتماعی است که تأثیر خالص آن را بر هویت فرهنگی افراد جوان نشان می‌دهد که در آن بالاترین و پایین‌ترین میزان استفاده را نشان می‌دهد .



بحث و نتیجه‌گیری

امروزه فناوری‌های نوین ارتباطی امکان به‌وجودآمدن یک فرهنگ جهانی را ایجاد کرده‌اند. فناوری‌هایی همچون شبکه‌های اجتماعی به سرعت از مرزهای فرهنگی کشورها می‌گذرند. همان-طور که مقاله‌ی حاضر نشان‌دهنده‌ی آن است که رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی موجب گسترش ارزش‌ها، هنجارها، نمادها، آداب و رسوم مختلف و سایر عناصر فرهنگی در سطح جامعه شده و خانواده‌ها و جوانان با سبک‌های زندگی مختلف آشنا و با هویت‌ها و ایدئولوژی‌های متفاوتی روبه‌رو شوند، نفوذ و گسترش این فناوری‌ها بخشی از زمان و فراغت جوانان و اعضای خانواده‌ها را به خود اختصاص داده است. یکی از نتایج این پژوهش تضعیف ساختارهای جمع‌گرایانه در

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

عرصه‌ها و سطوح مختلف از جمله در میان اعضای خانواده در اثر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی است. همان‌طور که گیدنز نیز بدان اشاره داشت، دگرگونی اجتماعی، سبک‌های زندگی از نشانه‌های مهم روابط در حال تغییر فردیت و اجتماع به شمار می‌روند. با تشدید فرآیند جهانی-شدن فردگرایی بر جمع‌گرایی فزونی و تفوق می‌یابد.

بنابراین یکی از تأثیرات استفاده‌ی روزافزون از شبکه‌ها و رسانه‌های جمعی، به‌ویژه در بعد اجتماعی و سبک زندگی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های گسترش فرهنگ‌های مختلف، عامل مهمی در تغییر نگرش‌های جمع‌گرایانه‌ی فردگرایانه است. امری که در بلندمدت، نظام‌های ارزشی و باورهای افراد را که هویت سنتی آن‌ها را تعریف می‌کند، از کارکرد خود ساقط و منسوخ می کند (کوته، ۲۰۰۶ : ۴۹ ؛ آبلا، ۲۰۰۵ : ۳۵). فردگرایی عدم هم‌نوایی با جمع را ارزش تلقی می-کند و بر شکوفایی فردی و بازاندیشی در سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی تأکید می‌ورزد.

لذا گسترش ارتباطات بین جوامع و گروه‌های مختلف از طریق فناوری‌های ارتباط از راه دور می-تواند سبب شکل‌گیری اجتماعاتی شود که عامل شکل‌گیری آن‌ها نه گردآمدن گروهی افراد در محدوده‌ی مرزهای جغرافیایی، بلکه اشتراک علایق و شباهت سلیقه یا حرفه است. همان‌گونه که گربنر در نظریه‌ی کاشت بدان اشاره کرد که اگر پیامی از رسانه‌ها به‌طور متوالی ارائه شود و بینندگان نیز در معرض آن پیام قرار گیرند، دنیای ذهنی آن‌ها متفاوت خواهد شد. از آن‌جاکه یافته-های پژوهش حاضر بیان‌گر این امر بود که رسانه‌ها از راه پیوندسازی موجب به‌وجودآمدن خرده-فرهنگ‌های جهانی می‌شوند که این موقعیت در نهایت به گوناگونی هرچه بیشتر فرهنگی بیانجامد، بدین شکل که رسانه‌ها مرزبندی‌های فرهنگی درون جوامع مختلف را درنوردیده و موجب تضعیف آن‌ها شده؛ به‌خصوص ارزش‌ها و باورهای خانوادگی است. بنابراین جوانان از میان گزینه‌های مختلفی که پیش رویشان است بر حسب امکاناتشان، دست به گزینش می‌زنند و این گسترش سبک‌های زندگی جدید، هویت فرهنگی جوانان را کم‌رنگ‌تر کرده است، همان‌طور که گیدنز اشاره می‌کند که «خود» افراد در جوامع جدید کنونی به واسطه‌ی شبکه‌های گسترده‌ی ارتباطی، نحیف، شکننده، ضربه‌دیده و ترک‌خورده است. به همان نسبت که دنیای اجتماعی انسجام و همبستگی خود را از دست می‌دهد و پراکنده می‌شود، «خود» نیز رو به ضعف و از هم‌پاشیدگی می‌نهد (گیدنز، ۱۳۹۸: ۲۳۹).

دگرگونی فزآینده و مداوم فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به خانواده‌ها و جوانان این امکان را داده است تا با دیگران به شیوه‌های متفاوت، ارتباط داشته باشند. این روابط مفاهیم جدیدی از

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

سبک‌های زندگی را پدید آورده است. پدیده‌هایی که محصول عصر حاضر است؛ همچون: فردگرایی، احساس نداشتن امنیت. لذا هریک از عوامل اجتماعی که بدان اشاره شد را می‌توان به‌عنوان متغیرهای اصلی و مستقل در نظر گرفت که بر هویت فرهنگی جوانان تأثیر متقابل دارند. به دلیل تأثیر مهمی که رسانه‌های جمعی بر رفتار و هویت جوانان داشته‌اند، نهادهای سیاسی و آموزشی، دینی، سیاست‌هایی به منظور کنترل اثرات مخرب این رسانه‌ها استراتژی‌های متفاوتی را اتخاذ نمایند. از آن‌جایی‌که ایجاد شرایط اطمینان‌بخش موجب معنادارشدن زندگی برای جوانان می‌شود، تأکید بر محیطی سازگار با سلامت جوانان، یکی از راه‌های ایجاد روحیه‌ی مسؤولیت-پذیری در میان آنان و دورکردن آن‌ها از رفتارهای مخرب است. با تأکید بر جنبه‌ها و معیارهای مثبت می‌توان خانواده‌ها، سازمان‌ها و سایر نهادهای اجتماعی را به منظور ارتقای سطح سلامت جسمانی و روحی جوانان توان‌مندسازی کرد.

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که «نقش هویت فرهنگی» در توسعه-ی پایدار اهمیت بسیار داشته و همین‌طور هرگونه دگرگونی و یا اتخاذ سیاست‌هایی، تأثیری مستقیم بر جوانان به عنوان سرمایه‌ی اجتماعی دارد؛ و لذا پیشنهاد می‌گردد جهت ایجاد روحیه‌ی مسؤولیت‌پذیری و دورکردن جوانان از رفتارهای مخرب، ایجاد شرایطی اطمینان‌بخش که موجب معنادارشدن زندگی برای آنان شود. گسترش دامنه‌ی نظام‌های تعلیم و تربیت و تقویت ارتباطات متقابل و حمایت از خانواده، توسط رسانه‌های ملی که کمک می‌کند تا ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را درونی سازند و از سویی، حس مشارکت با دیگران، کاهش تنهایی، کاهش ترس و اضطراب، حاصل می‌شود .

و همان‌گونه که پروفسور هربرت شیلر بدان اشاره کرد: این فرآیند انتقال اجتماعی مبتنی بر تقویت روابط متقابل مثبت عاطفی، از خود رسانه‌های جمعی نیرومندتر است. می‌توان گفت که در صورت استقرار چنین پیوندهای محکمی است که رسانه‌های گروهی نقشی مکمل خواهند یافت (وحدتی، ۱۳۹۵ : ۲۷۰).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. احمدزاده کرمانی، روح الله (۱۳۹۰) **بازاندیشی در فرهنگ و رسانه**، تهران: چاپار.

۲. استراوس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۰) **مبانی پژوهش کیفی**، ترجمه‌ی ابراهیم افشار، تهران: نی.

۳. افراسیابی، محمدصادق (۱۳۹۲) **مطالعات شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی جوانان**، تهران: سیمای شرق.

٤. تامپسون، جان بروکشایر (۱۳۹۳) **رسانه‌ها و مدرنیته: نظریه‌ی اجتماعی رسانه‌ها**، ترجمه‌ی مسعود اوحدی، تهران: سروش.

۵. جنکینز، ریچارد (۱۳۹٦) **هویت اجتماعی**، ترجمه‌ی نازنین میرزابیگی، تهران: آگاه.

٦. خواجه نوری، بیژن (۱۳۹۷) **جامعه‌شناسی جوانان، تحولات زندگی جوانان در روند جهانی‌شدن**، تهران: تیسا.

۷. ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۱) «آموزش شهروندی»، **رشد آموزش علوم اجتماعی**، سال ٤، شماره‌ی ۱: ۲۹–۲۲.

۸. زارع، زهره (۱۳۹٦) «**پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت با توجه به خودانضباطی و سطوح آن**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی.

۹. زلفعلی فام، جعفر و داود ابراهیم پور (۱۳۸۷) «بررسی تأثیر صنعت فرهنگ بر هویت اجتماعی با تأکید بر شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای»، **فصل‌نامه‌ی رسانه**، شماره‌ی ۷٦ : ۲۰۲–۱۷۵.

۱۰. سفیری، خدیجه (۱۳۸۷) **روش تحقیق کیفی**، تهران: پیام.

۱۱. سورین، ورنر و جیمز تانکارد (۱۳۸٤) **نظریه‌های ارتباطات**، ترجمه‌ی علیرضا دهقان، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

۱۲. سولیوان، تام؛ ساندرز، دانی؛ هارتلی، جان و جان فیسک (۱۳۸۵) **مفاهیم کلیدی ارتباطات**، ترجمه‌ی میرحسین رئیس‌زاده، تهران: فصل نو.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۳. عباسی قادی، مجتبی و مرتضی خلیلی کاشانی (۱۳۹۰) **تأثیر اینترنت بر هویت ملی**، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.

۱٤. عظیمی، عاطفه (۱۳۹۵) «**شبکه‌های اجتماعی مجازی و هویت فرهنگی: مطالعه‌ای در میان دانشجویان دانشگاه گیلان**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان ، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.

۱۵. قنبری، رزیتا (۱۳۹۷) «**بررسی تأثیر اعتیاد به اینترنت بر سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهرستان شاهرود**»، رساله‌ی پزشکی عمومی، دانشکده‌ی علوم پزشکی شاهرود.

۱٦. قاسمی، یارمحمد؛ سپیدنامه، بهروز و اسحاق قیصریان (۱۳۹۳) «بررسی میزان انواع سه گانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی (مورد مطالعه؛ جوانان استان ایلام ۱۳۹۲)»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی فرهنگی**، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۳ : ۹۰-٦۱.

۱۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) **تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**، ترجمه‌ی ناصرموفقیان، تهران: نی.

۱۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸) **پیامدهای مدرنیته**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: مرکز.

۱۹. لطیفی، معصومه؛ ریاحی نیا، نصرت؛ قائدی، یحیی و محمود بابائی (۱٤۰۰) «عوامل تأثیرگذار بر هویت فرهنگی دانشجویان ایرانی عضو شبکه‌های اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: فیس بوک، تلگرام و اینستاگرام)»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات رسانه‌های نوین**، دوره‌ی ۷ ، شماره‌ی۲٦ : ۳۹٤-۳۵۹.

۲۰. محمدی، رضا (۱۳۹٦) «**رابطه‌ی بین احساس تنهایی و هراس اجتماعی با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان همدان، مرکز پیام نور کبودرآهنگ.

۲۱. ندیمی، عبدالوهاب (۱۳۹۵) «**بازنمایی هویت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه در شبکه های اجتماعی دانشگاه کردستان**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

۲۲. وحدتی، مهرداد (۱۳۹۵) صنایع فرهنگی مانعی بر سر راه آینده فرهنگ، تهران: نگاه معاصر.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

23. Anthony Elliott (2011) «'I Want to Look Like That!' Cosmetic Surgery and Celebrity Culture», sage **Journal**, V5: 463-477.

24. Bryant S. & Denis D, (2000) **Mass Communication Theory**, California, Wadsworth Publication.

25. Chandler, D, (1995) **Cultivation Theory**, Retrieved November 22, 2006 from www.aber. ac. Uk/media/ Documents/ short/ cultiv.html

26. Cote, J .E, (2006) «Acculturation and identity, the role of individualization theory», **Human Development**, 49 (1).

27. Morgan , M. & Signorily , N, (1990), **Cultivation Analysis , Conceptualization and Methodology** , London , Sage Publication , Corpus ID: 153258775

28. Nausicaa, Renner, (2019) **How Social Media Shapes Our Identity?** ttps://www.newyorker.com/books/under-review

29. Rui, Jian Raymond, and Hua Wang. (2015) «Social Network Sites and International Students' Cross-Cultural Adaptation». **Computers in Human Behavior,** (49), 400-411.

30. Wilson ,John, (2013) «A study of mass media and its relationship to cultural identity», **sage jurnals**, (63).

31. Wood, J, (2000) **Communication Theories in Action**, Boston, Wadsworth Publishing.

32. Yung, Jink Na, Kosinski, Michal, Stillwell, David J, (2014) «Collectivism - Individualism and Social Networks (Facebook)», **Journal of Cross-Cultural Psychology** , https://doi.org/10.1177/0022022114563932.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]